



# بنوآب تا بهار

بازبگرن: درخت بی برگ و میوه، قورباغه، غاز، کلاغ

**درخت (وسط صحنه):** سلام. من درخت هستم. این پای منه، این هم دستم. برگام کو؟ باد همه شو ریخت. میوه هام کو؟ باغبون همه شو چید. حالا برگ و میوه ندارم. عوضش دوستای خوبی دارم. **درخت:** (کج می شود. دستش را بالا می برد. گوش می کند) می شنوین؟ یکی شون صداش میاد. صدای آوازش میاد. شما هم مثل من قور قور کنین تا این طرف بیاد. قورررر...

(بچه ها با درخت قورقور می کنند. قورباغه ای پیپر وارد می شود.)

**درخت:** سلام قورقوری. اومدی یا داری می ری؟

**قورباغه:** دارم می رم یه جای دور. رودخونه ای، برکه ای پیدا کنم. آواز بخونم و حسابی شنا کنم. الان هم دیرم شده... قورررر (پیپر بیرون می رود.)

**درخت:** من دوستای دیگه ای هم دارم. اونا وقتی می خوان سفر برن، روی شاخه هام می شینن و خستگی در می کنن. (دوباره کج و راست می شود و گوش می کند.) می شنوین؟ صداشون میاد بیابین ما هم بال بزنینم. غاغا صداشون کنیم.

(بچه ها مثل درخت دست هایشان را تکان می دهند و غاغا می کنند. دو مرغابی وارد می شوند.)

**درخت:** کجا می رین مرغابی ها؟ با این همه سرو صدا؟

**مرغابی ها:** غا... غا... یه جایی که باد نیاد هو بکشه بترسیم. بارون نیاد سرد بشه بلرزیم. حالا هم دیرمون شده. باید زود بریم غا...

**درخت:** همه رفتن، چقدر تنها شدم.

(یک نفر از کنار صحنه روی درخت برف شادی می پاشد.)



**درخت:** (با تعجب) این دیگه چیه! از کجا میاد! نه بارونه، نه باد.  
**کلاغ (می آید. دور درخت می چرخد):** قار... قار... این برف ریزه میزه،  
از آسمون می ریزه.

**درخت:** چه قدر سردم شده. دارم می لرزم. (می لرزد).  
**کلاغ:** برای همینه که باید بخوابی؛ و گرنه یخ می زنی.

**درخت:** (چند بار خمیازه می کشد) من... نمی خوام... خوابم... میاد... (می خوابد).  
**کلاغ:** لالا لالا قار. بخواب تا بهار. وقتی بشی بیدار  
به جای برف، یه عالمه شکوفه داری. حالا من  
می رم تا بقیه ی درختارو خبر کنم. قار قار،  
بخواب تا بهار.

